

The Security Implications of the Global Terrorism Crisis and Strategies for Its Management

Razieh Sahrakar Hamadani¹

Reza Jalali²

Abstract

Terrorism, as one of the greatest security challenges in the world, has far-reaching impacts on societies and states. This article examines the security implications of terrorism and explores approaches for managing it. Utilizing analytical and descriptive methods and drawing on library and online sources, the study investigates the economic, security, and social consequences of terrorism. It seeks to answer the question: What are the most significant security implications of modern terrorism, and how can its crisis be effectively managed? The findings indicate that the modern terrorism crisis is not confined to a specific geographical area and thus must be considered a global phenomenon. Accordingly, managing this crisis through individual actions, state policies, and international organizations is regarded as an essential necessity.

Keywords: Terrorism, Crisis, Security, ISIS

¹ M.A. in Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. hafrang1355@gmail.com

² Assistant Professor, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. rez.jalali@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 21, Autumn 2023

ppt 120-137

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۱۳۷-۱۲۰

پیامدهای امنیتی بحران تروریسم جهانی و راهکارهای مدیریت آن

راضیه صحراکار همدانی^۱

رضا جلالی^۲

چکیده

تروریسم به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های امنیتی در جهان، تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع و کشورها دارد. در این مقاله، پیامدهای امنیتی تروریسم و رویکردهای مدیریت آن بررسی می‌شود. این مقاله با استفاده از روش‌های تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به بررسی پیامدهای اقتصادی، امنیتی و اجتماعی تروریسم می‌پردازد و در پی یافتن پاسخ به این سوال است که مهمترین پیامدهای امنیتی و مدیریت بحران تروریسم چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد بحران تروریسم نوین محدود به یک حوزه جغرافیایی نبوده و بنابراین یک مسئله فراگیر جهانی محسوب می‌شود. در همین راستا، مدیریت این بحران از طریق اقدامات فردی، دولتی و سازمان‌های بین‌المللی، یک ضرورت لازمه به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: تروریسم، بحران، امنیت، داعش

^۱ کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hafrang1355@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

مقدمه

بحران امنیت به وقوع پیوستن یک رویداد یا سری از رویدادها منجر می‌شود که توانایی تهدید امنیت ملی یا بین‌المللی را دارد و ممکن است باعث اختلال در زندگی روزمره افراد، جوامع و کشورها شود. این اختلالات ممکن است از جمله افزایش خطرات امنیتی، نقض حقوق بشر، تخریب زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، و ایجاد نارضایتی و عدم پایداری اجتماعی باشد. تروریسم به عنوان یکی از عواملی که می‌تواند به بروز بحران امنیتی منجر شود، مورد توجه ویژه‌ای قرار می‌گیرد. فعالیت‌های تروریستی اغلب با هدف ایجاد وحشت و ناامنی در جامعه، تضعیف دولت و ارگان‌های امنیتی، و ایجاد ناامنی در بین افراد و جوامع صورت می‌گیرد. از آنجا که پدیده تروریسم بین‌المللی همچنان امنیت و حاکمیت کشورها را تهدید می‌کند و موجب تغییراتی در چهره و ویژگی‌های کشورها و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آن‌ها شود. تروریسم از ابزارهای متعددی استفاده می‌کند که بسته به معیارهای اقدام تروریستی متفاوت است. این تفاوت‌ها ناشی از چندین دلیل است، از جمله: تنوع ابزارهای خشونت مورد استفاده در تروریسم، بهره‌برداری تروریست‌ها از انقلاب اطلاعاتی و وسایل ارتباطی، تفاوت روش‌های مورد استفاده در انجام عملیات تروریستی. حال با توجه به اینکه پدیده تروریسم به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی در جهان معاصر، بر امنیت و پایداری کشورها و جوامع بین‌المللی تأثیر مهمی دارد. هدف پژوهش این مقاله است. بنابراین، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که ظهور پدیده تروریسم چه پیامدهای اقتصادی، امنیتی و اجتماعی به همراه داشته است؟ فرضیه پژوهش این

است که پیامدهای تروریسم تخریب چهره دینی و بازنمایی جنگ درون تمدنی، بازتعریف خطرات جهانی در عصر حاضر، شکنندگی سیاست بازدارندگی متعارف و رویکردهای مدیریتی در سطح فردی، دولتی و سازمان های بین المللی است. . این مقاله با استفاده از روش های تحلیلی و توصیفی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اینترنتی گردآوری شده است.

چارچوب مفهومی: تروریسم

واژه تروریسم همواره با بحران معنایی روبرو بوده و شاید بتوان این واژه را یکی از جنجال برانگیزترین واژگان کلیدی قرن بیست و یکم تلقی کرد. تروریسم یکی از واژه های مبهم عرصه ی بین الملل است که به علت پیچیدگی مفهوم و در تعریف و تحدید قلمرو آن با بحران معنا مواجه است. مصادیق آن با نوعی تعاریفی که از تروریسم و ابعاد آن ارائه شده است بیش از آنکه منطبق بر عینیت گرایی و پذیرش دوگانگی ارزش با واقعیت باشد، برگرفته از ساخته های گفتمانی و تبلیغی است. در مطالعه ای که با حضور ۱۰۹ کارشناس تروریسم و متخصصین دانشگاهی، درباره تعریف تروریسم بررسی و تحلیل شد. نتایج این تحقیق نشان داد که عنصر خشونت در ۸۳ درصد تعاریف و اهداف سیاسی در ۶۵ درصد تعاریف بیان شده بود. ۵۱ درصد بر عامل ترساندن و ترور تأکید داشتند و فقط ۲۱ درصد به استبداد و عدم تبعیض در تعریف تروریسم اشاره کردند. ۱۷ درصد نیز تروریسم را قربانی کردن شهروندان، افراد بی طرف و افراد غیرنظامی دانستند (جعفری فر و نصیری حامد، ۱۴۰۰: ۳۸). در کل شاخص های تروریسم عبارت اند از: فعالیت هایی چون آدم کشی، کشتار بی هدف، بمب گذاری و آدم ربایی، گروگان گیری، هواپیماربایی.

تاکنون نظرهای گوناگونی درباره راهبردها و تاکتیک‌های تروریست‌ها بیان شده است (ایلزکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

تروریسم بین‌المللی باور دارد که باید از مرزهای رسمی کشورها عبور کرده و اهداف خود را در یک جغرافیای وسیع‌تر تعریف کند. حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م سرآغاز دوره تاریخی جدیدی در تحولات نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. این حوادث موجب شد مبارزه با تروریسم در صدر اهداف سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار گیرد و تروریسم به عنوان مهمترین تهدید برای امنیت و ثبات تلقی گردد. در پی این حادثه، سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، با اتخاذ تصمیماتی، زمینه‌های همراهی و هم‌نوازی برای مبارزه با تروریسم را فراهم آوردند. ژاک شیراک، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، نخستین رهبر یک کشور خارجی بود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از آمریکا دیدار کرد و حمایت کامل و همه‌جانبه کشورش را از واشنگتن اعلام نمود. گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان، آمادگی کشورش را برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد. برخی از اعضای اتحادیه اروپا نیز مانند انگلستان با اعلام سیاست شانه‌به‌شانه در همکاری با آمریکا برای مبارزه با تروریسم تلاش‌های فراوانی جهت ایجاد تفاهم و وفاق بین‌المللی در مدیریت بحران به عمل آوردند (فرسای، ۱۳۸۱: ۳۸).

به همین دلیل، عملیات نظامی و تروریستی گروه داعش در خارج از مرزها آن را در دسته تروریسم بین‌المللی قرار می‌دهد. به طور کلی، اهداف داعش را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- از بین بردن کامل مرزهای سیاسی موجود در عراق، سوریه و کل منطقه از طریق تضعیف دولت‌های مرکزی و ایجاد جنگ‌های فرقه‌ای.

- تأسیس خلافت اسلامی با فتح سرزمین‌هایی در عراق و سوریه، حکمرانی در این مناطق و حمایت از مردم این کشورها در برابر تهدیدهای خارجی.
- دعوت از افراد و نخبگان هم‌رأی و هم‌کیش به قلمرو خلافت اسلامی برای جنگیدن و کار.
- گسترش قلمرو خلافت اسلامی به خارج از مرزهای این دو کشور و در نهایت، ایجاد جامعه اسلامی یا امت واحد.

این اهداف سیاسی و ایدئولوژیک بزرگ به شدت به نیروی نظامی و سخت‌افزاری متکی است. داعش ابتدا بر ایجاد یک جامعه کارآمد و تثبیت امور اولیه مورد نیاز برای کشورداری تأکید دارد و سپس به پیاده کردن قوانین شریعت می‌پردازد. این یکی از تفاوت‌های اصلی بین داعش و سایر گروه‌های جهادی، به‌ویژه القاعده است (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

پیامدهای امنیتی تروریسم

۱- تخریب چهره دینی و بازنمایی جنگ درون تمدنی

تروریسم، به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، اثرات وسیعی را بر فرهنگ و دین دارد. این اثرات می‌تواند شامل تخریب چهره دینی یا ساختارهای معنوی مرتبط با دین باشد. تروریسم با ادعاهای مذهبی و استفاده از آیین‌های دینی، تصویری منفی از آن دین ارائه می‌دهد و به طور غیرقابل قبولی آن را با عنوان موافقت یا حمایت از اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی معرفی می‌کند. این اثر، به چالش کشیدن مفاهیم اصیل و ارزش‌های دینی و انتقال تصویری متفاوت از آنها

منجر می‌شود. همچنین، تروریسم می‌تواند بازنمایی جنگ درون تمدنی را فراهم کند. به این معنا که تروریست‌ها با ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی، مخاصمات و تضادهای میان گروه‌ها یا جامعه‌های داخلی را تشدید کرده و جنگ و نزاعات را درون کشورها ترویج می‌کنند. این اقدامات باعث تضعیف امنیت داخلی و استقرار صلح و آرامش در جوامع می‌شود و باعث تبدیل شدن برخی از مسائل به مناطق جنگ و خشونت‌آمیز می‌گردد. به نظر کارشناسان در سطح بین‌المللی داعش دو کارکرد مهم و اساسی را برعهده گرفته است: نخست آن که با اقدامات وحشیانه خود که با نام اسلام انجام می‌دهد، چهره غیرواقعی و خشنی از اسلام ارائه و زمینه لازم را برای اسلام‌هراسی غرب فراهم می‌کند؛ دوم آن که با این اقدام، جنگ بین تمدنی موردادعای آمریکایی‌ها را به جنگی درون‌تمدن اسلامی تبدیل کرده و مجری سیاست آمریکا در فرسایش امت اسلامی است. بنابراین بعد از فروپاشی نظام دوقطبی غرب به رهبری آمریکا و شرق و به رهبری شوروی، نظام سلطه که در ابتدا تلاش داشت با جنگ بین تمدنی، انقلاب اسلامی و پیامدهای آن را مهار کند، سیاست خود را بر جنگ درون‌تمدنی جهان اسلام معطوف کرد و گروه‌هایی مانند القاعده، جبهه النصره و داعش بر اساس راهبرد جدید آمریکا، یکی پس از دیگری ظهور کردند (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۶).

۲- بازتعریف خطرات جهانی در عصر حاضر

تروریسم در عصر حاضر نقش بسیار مهمی در بازتعریف و تغییر مفهوم خطرات جهانی ایفا می‌کند. این پدیده از یک سو، به عنوان یکی از بزرگترین تهدیدات امنیتی جهان شناخته می‌شود، اما از سوی دیگر، ماجراجویی‌ها و جنگ‌های بین‌المللی به مرور زمان جای خود را به تروریسم داده‌اند. بر همین اساس گستره

تهدید ناشی از اقدامات تروریستی جهادی‌ها در اروپا، به‌ویژه افرادی که برای جهاد به خاورمیانه سفر کرده بودند، سبب شد تا تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، در آوریل ۲۰۱۴ از رهبران غربی بخواهد که اختلافات خود را با چین و روسیه کنار بگذارند و بر تهدید فزاینده رادیکالیسم دینی که در قالب گروه افراطی داعش بروز یافته است، تمرکز کنند. بلر تاکید کرد که «مقابله با دیدگاه رادیکال از اسلام باید در دستور کار بین‌المللی قرار گیرد.» در این راستا، حوادث تروریستی متعددی توسط داعش در کشورهای تونس، ترکیه، روسیه و لبنان رخ داد. این حملات در تاریخ‌های ۲۶ ژوئن در سوسه تونس، ۱۰ سپتامبر در آنکارا ترکیه، ۳۱ اکتبر در شبه‌جزیره سینا و ۱۲ نوامبر در بیروت به وقوع پیوستند. یک هفته پس از حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس که منجر به کشته شدن ۱۳۰ نفر و زخمی شدن ۳۵۰ نفر دیگر شد، داعش مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت (جعفری فر و نصیری حامد، ۱۴۰۰: ۳۸). چالش‌های امنیتی جدیدی که از خاورمیانه نشأت می‌گیرند و باعث نگرانی و واکنش‌های متنوعی شده‌اند، در سند استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ مطرح شده است. این سند شامل سخنرانی خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، است که در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۳ با عنوان «اروپای امن‌تر، دنیای بهتر» ارائه شد. طبق این سند، چالش‌های امنیتی جدید عبارتند از:

- گسترش فناوری موشک‌های بالستیک
- گسترش سلاح‌های کشتار جمعی
- ظهور تروریسم نوین
- ضعف دولت‌ها و جنایات سازمان‌یافته

- مشکلات ناشی از عدم توسعه سیاسی و اقتصادی در منطقه
- مهاجرت گسترده مسلمانان و افزایش جمعیت آنان در اروپا. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۵: ۴۲).

۳- شکنندگی سیاست بازدارندگی متعارف

تروریسم ممکن است به وقوع پیوسته یا برنامه‌ریزی شده باشد و معمولاً هدفش جلب توجه و ایجاد ترس و وحشت در جامعه بدون سازوکارهای متعارف نظامی است. به همین دلیل، فعالیت‌های تروریستی می‌توانند بحران‌های امنیتی را تشدید و تسریع کنند و به ایجاد ناامنی و نارضایتی در جوامع منتهی شوند. شکنندگی سیاست بازدارندگی متعارف از پیامدهای امنیتی تروریسم و ظهور بازیگران غیر دولتی است. این بدان معناست که روش‌ها و سیاست‌های سنتی برای مقابله با تروریسم دچار کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هایی شده‌اند، و این پدیده باعث ظهور جوامع و گروه‌های غیر دولتی، مختلف از جمله گروه‌های تروریستی، می‌شود که دارای قدرت و تأثیر بسیاری در صحنه‌های بین‌المللی می‌باشند. این شکنندگی سیاست بازدارندگی متعارف از تروریسم به چندین عامل برمی‌گردد. اولاً، روش‌های سنتی و تقلیدی در مقابله با تروریسم، معمولاً ناکارآمد و غیرکارآمد ثابت شده‌اند، زیرا تروریسم اغلب با استفاده از روش‌های غیرمتمرکز و ناگهانی اقدام می‌کند که با رویکردهای سنتی سازمان‌دهی شده دولتی سازگار نیست. ثانیاً، تروریسم به عنوان یک پدیده چند رده‌ای، از ایدئولوژی‌ها، عقاید دینی، تضادات قومی و سیاسی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سایر عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد، که باعث می‌شود راهکارهای یکپارچه و مؤثری برای مقابله با آن ارائه نشود. سوماً، ظهور

بازیگران غیر دولتی، مانند گروه‌های تروریستی، باعث افزایش قدرت و تأثیر آنها در جهانی شدن منازعات و تهدیدات می‌شود. این گروه‌ها اغلب دارای منافع و اهداف متفاوتی نسبت به دولت‌ها هستند و به دنبال تحقق اهداف خود از طریق روش‌های غیرقانونی می‌باشند.

رویکردهای مدیریتی بحران تروریسم

۱- اقدامات در سطح فردی

کسانی می‌شود که ادعا می‌کنند در کنار اعضای گروه داعش می‌جنگند. به طور کلی، سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام و راه‌اندازی «شبکه دابق» و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت‌ناپذیری مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها موجب شده است که سیر رشد آنها تصاعدی شود و داعش سیاست‌های ویژه جذب نیرو را در پیش گرفت و ارتش بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ترویج تفکر، جذب نیرو و پیگیری و انتشار افکار و اخبار داعش به کار گرفت (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). در این رویکرد، تلاش برای مبارزه با تروریسم از طریق افراد و گروه‌هایی صورت می‌گیرد که با ایدئولوژی‌ها و اهداف مشخصی، مانند داعش، همراهی می‌کنند. این افراد از وسایل ارتباطی جدید و شبکه‌های اجتماعی برای اعلام و ترویج اقدامات خود، از جمله حملات برق‌آسا و انتشار پیام‌های ایدئولوژیک، بهره می‌برند.

اقدامات در این سطح معمولاً شامل تلاش برای مخفی نگه داشتن هویت، جذب نیروهای جدید و ایجاد ارتباط با افراد با انگیزه‌های مشابه است.

۲- اقدامات در سطح دولتی

مدیریت بحران نیازمند مشارکت طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل است. هر یک از بازیگران و الگوی کنش تعاملی آنان نقش مؤثری در چنین فرآیندی به‌جای می‌گذارد. به‌منظور دستیابی به این مهم، و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این مشارکت موارد زیر قابل‌پیگیری و اجراست:

۱. تأکید به از بین بردن مرزها بین دولت‌های اسلامی از اندونزی تا مغرب و انتشار نقشه‌های متعددی به این منظور از استراتژی‌ها و سیاست‌های اعلامی این گروه است. چنین سیاستی آشکار در پی تغییر وضعیت موجود و دگرگونی در ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی است. لذا برجسته نمودن این خطر به‌وسیله‌ی صاحبان رسانه و عناصر دیپلماسی، رایزنی‌ها و مشاوره‌های متعدد در این زمینه و تشکیل ائتلافی جهانی علیه این گروه و گروه‌های مشابه، بررسی راه‌های مبارزه با داعش در نشست آتی رهبران جهان در مجمع عمومی سازمان ملل و دیگر مجامع علمی و سیاسی‌ای که به‌صورت فوق‌العاده و بدین منظور برگزار می‌گردند نتایج مثبتی در پی خواهد داشت.

۲. حمایت کشورهای منطقه و بخصوص ایران از ارسال کمک‌های نظامی و تسلیحاتی اتحادیه اروپا و رایزنی به این منظور با مسئولین سیاسی آن کشورها راهکاری مفید خواهد بود.

۳. تنها تحول دموکراتیک است که می‌تواند سنگ بنایی برای توسعه جامعه در این کشورها ایجاد کند. این تأکید به این دلیل است که ساختارهای سیاسی حاکم در منطقه ظرفیت توسعه را ندارند و در صورت حذف منابع نفتی از اقتصاد منطقه، وضعیت اقتصادی به شدت وخیم خواهد شد؛ اما نکته اینجاست که نه تنها دولت‌های موجود، بلکه مخالفانشان نیز نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای استقرار دولتی توسعه‌گرا در منطقه باشند (کریمی پور و حیدرپور، ۱۳۹۸: ۳۸).

۳- اقدامات در سطح سازمان‌ها بین‌المللی

پیش از وارد شدن شورای امنیت به بحث تروریسم این مسئله بیشتر از سوی مجمع عمومی و به‌طور ویژه توسط کمیته ششم مجمع عمومی (کمیته حقوقی) رسیدگی می‌شد. سهم مجمع تهیه و تصویب سیزده معاهده بود که به جنبه‌های مختلف اقدامات تروریستی می‌پرداخت اما سابقه تصویب قطعنامه شورای امنیت در خصوص تروریسم به سال ۱۹۹۹ م و قطعنامه شماره ۱۲۶۹ باز می‌گردد که با اشاره به قطعنامه ۶۰/۴۹ دسامبر ۱۹۹۴ مجمع عمومی، تعریف تروریسم در این قطعنامه را می‌پذیرد. تلاش برای پیشگیری و منع اقدامات تروریستی با همکاری و اجرای کامل کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی در قطعنامه ۱۲۹۹ مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۹۹ نیز آمده است. چنانچه مشخص است تشدید اقدامات شورای امنیت در حوزه مبارزه با تروریسم متأثر از افراط‌گرایی در جهان است که باعث طرح موضوع تروریسم، هنجارسازی درباره آن و قرار گرفتن آن به عنوان مسئله مربوط به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی است. شورای امنیت در همه قطعنامه‌هایی که درباره تروریسم و علیه عراق، سودان، لیبی و طالبان صادر کرده، به فصل هفتم

منشور استناد نموده است (رضایی، ۱۳۹۵). پس از ۱۱ سپتامبر دو قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ صادر شد. قطعنامه ۱۳۷۳ برخلاف قطعنامه‌های پیشین دارای یک کمیته نظارت بر اجرای قطعنامه که متشکل از تمامی اعضای شورا بود می‌شد. قطعنامه ۱۳۷۳ تعهدات یکدستی را برای ۱۹۱ دولت عضو ایجاد می‌کرد که در مقایسه با سیزده معاهده در مورد تروریسم الزاماتی را تحمیل می‌کرد. شورای امنیت بر اساس قطعنامه ۱۳۶۸ (۲۰۰۱). مفاد مهم قطعنامه مذکور عبارتند از:

- مطالبه از دولت‌های عضو در خصوص ممانعت از تأمین و حمایت مالی از عملیات تروریستی
- شناسایی هر نوع تأمین مالی عملیات تروریستی در سرزمین خود به عنوان جرم
- مسدود کردن منابع مالی و یا پس‌اندازهای افراد متهم و مرتکب به اعمال تروریستی یا افرادی که در راستای انجام اقدامات تروریستی فعالیت و مشارکت داشته و یا انجام آنها را تسریع می‌نمایند
- مطالبه از دولت‌های عضو در باب مساعدت در خصوص انجام تحقیقات جنایی و قضایی مربوط به تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی
- درخواست از دولت‌های عضو در خصوص اجتناب از حمایت از اشخاص و یا گروه‌هایی که به نحوی در اعمال تروریستی دست دارند اعم از اینکه این موارد فعالانه باشد و یا به صورتی انفعالی صورت گیرد
- درخواست از دولت‌ها برای اینکه مراقبت کنند تا در مورد اعطای پناهندگی به پناهجویان، به کسانی مساعدت نمایند که در ارتکاب اعمال تروریستی

دخالت نداشته باشند و نیز پس از اعطای پناهندگی هم دقت شود که افراد پناهنده از وضعیت پناهندگی برای سازمان‌دهی، طراحی و تمهیداتی برای عملیات تروریستی سوءاستفاده نکنند

● مطالبه از دولت‌های عضو برای اینکه تلاش‌های خود برای مقابله با تروریسم را هماهنگ بکنند به ویژه با عنایت به ارتباط میان تروریسم بین‌المللی با جنایات سازمان‌یافته جهانی از قبیل قاچاق مواد مخدر، پولشویی، قاچاق غیرقانونی سلاح و نیز حمل و نقل غیرقانونی مواد اتمی، شیمیایی، بیولوژیک و نیز سایر موادی که بالقوه می‌توانند خطرناک قلمداد شوند.

● تأسیس کمیته‌ای به منظور نظارت بر اجرای مناسب قطعنامه مذکور از سوی شورا و انجام هر اقدام ضروری برای تضمین اجرای کامل قطعنامه مطابق با منشور سازمان ملل متحد (خیری و دربندی، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۳).

جمع بندی

امروزه، پدیده تروریسم به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های امنیتی جوامع و حکومت‌ها در سراسر جهان تبدیل شده است. این امر نشان از این دارد که تهدید تروریسم نه تنها به یک منطقه یا کشور خاص محدود نمی‌شود، بلکه همه از کشورهای جهان را تهدید می‌کند. با ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش بحران تروریسم دینی نیز مجدداً برجسته تر شد. این مقاله نشان داد که تروریسم باعث ایجاد ناپایداری و ناپیوستگی در جوامع و اجتماعات مختلف می‌شود. این پدیده نه تنها به یک منطقه محدود محدود نمی‌شود، بلکه از تأثیرات جهانی برخوردار است که می‌تواند زمینه‌ساز برای ایجاد تغییرات گسترده و غیرپیش‌بینی در سیاست و اقتصاد جهانی شود. به علاوه تروریسم موجب تغییر در رویکردهای امنیتی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌شود. این پدیده با ایجاد نیاز به همکاری و تعامل بین مختلف اجتماعات و کشورها، تأثیراتی عمیق بر راهبردها و سیاست‌های امنیتی جهانی دارد. به علاوه بنابراین، شکنندگی سیاست بازدارندگی متعارف و ناکارآمدی راهکارهای سنتی مقابله با تروریسم، منجر به ظهور و تقویت بازیگران غیر دولتی شده است که تأثیرات عمیقی بر امنیت جهانی و استقرار صلح و ثبات در جوامع دارند. در زمینه مدیریتی نیز مقاله نشان داد که در سطح فردی، افراد یا گروه‌هایی که با ایدئولوژی‌های خاص مانند داعش همراه هستند، از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی برای اعلام و ترویج اقدامات خود استفاده می‌کنند، از جمله حملات برق‌آسا و اعتقاد به رسالت الهی. در سطح دولتی، همکاری

گسترده کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای مدیریت بحران تروریسم ضروری است، به‌طوری که این کشورها باید با تشکیل ائتلاف‌های جهانی و هماهنگی با کشورهای منطقه، اقدامات مؤثری در این زمینه را انجام دهند. در سطح سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد و شورای امنیت نیز برای مقابله با تروریسم قطعنامه‌ها و کمیته‌های نظارتی تشکیل می‌دهند و هماهنگی بین کشورها را برای مقابله با این پدیده ارتقا می‌دهند.

منابع

- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵)، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۹۵، پیاپی ۴۸، صص ۱۴۱-۱۲۳
- ایلزکی، اعظم (۱۳۹۵)، بررسی تروریسم (تروریسم هسته ای) و مصوبات سازمان ملل متحد و آژانس انرژی اتمی قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در ارتباط با تروریسم، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال دوم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۶
- جعفری فر، احسان؛ نصیری حامد، رضا (۱۴۰۰)، نقش سازمان ملل متحد در صدور قطعنامه ها علیه داعش، فصلنامه سازمان های بین المللی، سال ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۴، بهار ۱۴۰۰، صص ۶۳-۳۴
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۵)، «اتحادیه اروپا و چالش های نوین امنیتی در خاورمیانه»، پژوهش حقوقی و سیاست، شماره بیستم.
- خبیری، کابک؛ دربندی، مارال (۱۳۹۰)، حقوق بین المللی و مسئله تروریسم، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۴، پیاپی ۱۶، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۷۲-۱۵۱
- صالحی، سید جواد، مرادی نیاز، فاتح (۱۳۹۵)، بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۱۱- ۸۵

فرسای، شهرام، (۱۳۸۲)، «تحولات نوین سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا»، تهران، مرکز چاپ و اطلاعات وزارت امور خارجه.

کریمی پور، یدالله؛ حیدری، جهانگیر (۱۳۹۸)، تحلیل عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک مؤثر بر محدودسازی و سد نفوذ کنش های منطقه ای داعش، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۴۶-۲۱